

خبرخوان

شیب افزایشی چاقی در ۶ تا ۱۸ساله‌ها

ایسنا:مدیر دفتر بهبود تغذیه جامعه وزارت بهداشت گفت: «ابتلای ۲۲ تا ۲۵درصدی افراد شش تا ۱۸ساله به اضافه‌وزن و چاقی به‌هیچ‌وجه مناسب نیست. متأسفانه شیب افزایش اضافه‌وزن و چاقی در این گروه سنی همسو با روند جهانی در حال رشد است. افزایش چاقی کودکان و نوجوانان شش تا ۱۸ساله در مؤلفه‌های ترویج فرهنگ کم‌تحرکی، تغییر الگوی تغذیه و سیستم آموزشی ریشه دارد.»
احمد اسماعیل‌زاده درباره روند بروز چاقی در کودکان و نوجوانان توضیح داد: «آمار اضافه‌وزن و چاقی کودکان کمتر از پنج سال، حدود ۲.۵ تا سه درصد است که البته این موضوع معضلی بزرگ در مقایسه با کشورهای منطقه به حساب نمی‌آید و با شرایط «بد» مواجه نیستیم. اگرچه وضعیت چاقی و اضافه‌وزن در گروه سنی کودکان کمتر از پنج سال چندان بد نیست اما نگران افزایش آمار چاقی در میان این گروه سنی هستیم. با توجه به روندهای تغذیه‌ای مانند وضعیت تغذیه با شیر مادر، استفاده از شیرخشک و شرایط تغذیه تکمیلی کودکان، نگرانی درباره افزایش آمار چاقی کودکان کمتر از پنج سال وجود دارد.»
او ادامه داد: «اگرچه وضعیت بروز چاقی کودکان کمتر از پنج سال کشور نسبت به کشورهای منطقه تا حدودی مناسب است، اما شرایط گروه سنی شش تا ۱۸ سال نگران‌کننده است و با شرایط مساعدی روبه‌رو نیستیم. بررسی‌ها بیانگراین است که یک نفر از هر چهار کودک و نوجوان شش تا ۱۸ساله به اضافه‌وزن یا چاقی مبتلا است. براساس جامعه آماری این گروه سنی می‌توان گفت‌که حدود ۲۲ تا ۲۵ درصد کودکان و نوجوان به اضافه‌وزن و چاقی مبتلا هستند.»
او درباره نقش سبک زندگی در بروز اضافه‌وزن و چاقی گفت: «اگرچه ژنتیک در تمام خصلت‌های انسان‌ها نقش دارد و وزن کودکان مبتلا به چاقی طی ۱۰ یا ۲۰ سال گذشته تغییر نکرده اما سبک زندگی کودکان نسبت به گذشته متفاوت است. نحوه غذاخوردن، میزان فعالیت بدنی تغییر کرده و همچنین میزان استرس‌ها افزایش یافته است. اگر بخواهیم بدانیم که سهم استرس، فعالیت بدنی و تغذیه در ابتلا به چاقی چقدر است، به یک مطالعه جامع نیاز داریم.»
او درباره مصرف لبنیات و نوشابه گفت: «آخرین داده‌های موجود مربوط به سال ۱۳۹۷ است؛ براساس برنامه‌ریزی‌های انجام‌شده در نظر داریم مطالعه بررسی مصرف مواد غذایی را طی سال آینده انجام دهیم. میزان مصرف لبنیات در کشور به‌هیچ‌وجه مناسب نیست و به‌طور متوسط، مصرف لبنیات در کشور حدود یک واحد در روز است؛ در حالی که توصیه می‌شود افراد روزانه دو تا سه واحد لبنیات مصرف کنند. هنگامی که مصرف لبنیات از میزان توصیه‌شده کمتر باشد، سبب بروز مشکلات در سال‌های آینده می‌شود.»
او با بیان اینکه اگر هر بطری نوشابه بیش از ۲۰ گرم قند داشته باشد، توضیح داد: «نوشابه می‌تواند تعادل کلسیم و فسفر در بدن را به هم بریزد و گاز بسیار زیاد دارد. همچنین قند بسیار زیادی با مصرف نوشابه به بدن وارد می‌شود. میزان مصرف نوشابه در کشور از مقدار توصیه‌شده بیشتر است.»
اسماعیل‌زاده درباره نوشابه‌های رژیمی نیز گفت: «محصولات موسوم به «رژیمی» با جایگزینی ساکاروز با شیرین‌کننده‌های مصنوعی تولید می‌شوند. نتایج مطالعات نشان می‌دهد مصرف طولانی‌مدت این محصولات نیز می‌تواند سبب افزایش وزن و اختلال در کنترل قند خون شود. شیرین‌کننده‌هایی مانند «ساхарین» و «اسپارتام» در گذشته استفاده می‌شدند و تأثیر بد این شیرین‌کننده‌ها بر سلامت مشخص شده اما برخی شیرین‌کننده‌های جدید یا ایزومالت که اثرات مضر کمتری دارند، امروزه استفاده می‌شوند و تا حدودی مشکلات غذایی کمتری دارند. مصرف نوشابه چیه رژیمی و چه غیررژیمی به‌هیچ‌وجه توصیه نمی‌شود و از خوردن این نوشیدنی می‌بایست اجتناب کرد».

یادداشت

اینترنت‌سرگردان

۳- اعمال سانسور و محدودیت خبری نمی‌تواند کلی و مبهم باشد، بلکه فقط شامل دسته‌ای مشخص از اخبار و اطلاعات در موضوع معین می‌شود.

۴- سانسور فقط شامل انتشار برخی خبرها (متن یا عکس) می‌شود. چنین نیست که رسانه مانند مطبوعات یا خبرگزاری‌ها یا رادیو و تلویزیون و سایت‌ها به‌عنوان محدودیت خبری تعطیل شوند.

در جنگ اخیر نیز اعمال محدودیت خبری از سوی ایران پذیرفتنی است، اما قطع کامل اینترنت بسیار فراتر از این است، زیرا؛

۱- اعمال محدودیت خبری در زمان جنگ ناشی از ضرورت امنیت ملی است. در حکومت مرجعی می‌تواند چنین تشخیص و تصمیمی داشته باشد که عهده‌دار مسائل امنیت ملی است. در ایران این مرجع فقط شورای‌عالی امنیت ملی است. اعمال محدودیت خبری صرفاً در صلاحیت شورای‌عالی امنیت ملی است. تبصره ۲ از ماده ۵ قانون مطبوعات نیز از همین قاعده پیروی کرده و صلاحیت اعمال محدودیت خبری را فقط به همین شورا واگذار کرده است و مطبوعات و خبرگزاری‌ها را موظف به تبعیت از مصوبات شورای‌عالی امنیت ملی دانسته است. در دوره جنگ اخیر مشخص نیست مرجع تشخیص و تصمیم قطعی کجاست؟

۲- قطعی اینترنت برای جلوگیری از گردش خبرهایی است که می‌توانند امنیت ملی را در شرایط جنگی به مخاطره بیندازند، اما اینها کدام خبرها هستند؟ خیلی از اخبار جنگی به نفع کشور و امنیت ملی است و گردش مردمی آنها بر بستر وب به نفع ایران خواهد بود. مثلاً اخبار مربوط به انتشار جنایت‌بار ۱۶۸ کودک بی‌گناه در مدرسه شجره طیبه میناب. بسیاری از صاحب‌نظران نظراتی دارند که حاکی از حقوق ایران در جنگ بوده و مدافع ایران‌اند و دیدگاه‌های‌شان به نفع امنیت ملی است. اکثریت بسیار بزرگ آنها جایی ندارند که نظرات خود را بیان کرده و بر افکار عمومی داخل و خارج با مقامات دولت‌های خارجی اثرگذار باشند، مگر بر بستر اینترنت که وقتی قطع است، چنین امکانی از بین می‌رود.

۳- اعمال محدودیت خبری فقط شامل محتواس‌ت، نه بستری که محتوا بر آن منتشر می‌شود. در مطبوعات وقتی در یک موضوع خاص محدودیت خبری اعمال می‌شود، مطبوعات و خبرگزاری‌ها به کار خود ادامه می‌دهند و فقط از انتشار آن دسته اخبار خودداری می‌کنند. مطلقاً چنین نیست که به خاطر محدودیت خبری تمام نشریات و خبرگزاری‌ها تعطیل شوند. اعمال محدودیت خبری از طریق بستن اینترنت مانند آن است که همه مطبوعات و خبرگزاری‌ها تعطیل شوند. اینترنت فقط یک بستر است که روی آن بی‌نهایت محتواهای مختلف منتشر می‌شود.

۴- سانسور و محدودیت خبری به دلیل امنیت ملی در شرایط جنگی یک استثنا بر اصل آزادی گردش اطلاعات، آزادی رسانه و آزادی بیان است. استثنا باید در کمترین حد ممکن تفسیر و اجرا شود و به حدی گسترده نشود که اصل را از بین ببرد. علاوه بر ایرادات حقوقی، قطعی کامل اینترنت این ایراد بزرگ کارکردی را هم دارد که مانع از مشارکت فکری عامه ملت در دفاع از حق حاکمیت ملی و تمامیت ارضی و امنیت ملی است. همچنین بخش‌های زیادی از مردم به جانب تلویزیون‌های فرامرز گرایش پیدا می‌کنند که برخی از آنها سخنگوی دشمن‌اند و علیه کشور عمل می‌کنند. در فیلترینگ جز زیان وجود نداشت، در قطع‌کردن اینترنت هم اگر فوایدی بوده است، ولی زیان‌هایش بسیار بیشتر است. با بازکردن اینترنت بگذاردی ملت نیز با استفاده از حق آزادی بیان و حق دسترسی به منابع و اطلاعات در این جنگ تجاوزکارانه در دفاع از کشور حضور رسانه‌ای داشته باشند. اگر هم کسی علیه کشور و به نفع دشمن محتوایی منتشر کرد، با تنبیه او کار را سامان بدهید.



زهرا جعفرزاده: یک پولیور آبی مجاله‌شده و کفش ورزشی کرم‌رنگ، تمام آن چیزی است که در ۴۶ روز گذشته از زیر آوارهای مدرسه بیرون کشیده شد و تنها اثری شد از اینک از نصیری؛ مکان هفت‌ساله کلاس اولی مدرسه شجره طیبه میناب، تنها کودکی که هیچ چیز، مطلقاً هیچ چیز از پیکر نحیف و کوچکش پیدا نشد. تمام آنچه از او بر جای ماند، محتویات صندوق شیشه‌ای کوچکی در مسجد مهدیه محله اسلام‌آباد میناب شد برای یادبود کودکی که قبرش خالی است. «یکی از شهدای دانش‌آموز به نام «ماکان نصیری» تاکنون حتی با انجام آزمایش DNA نیز شناسایی نشده و همچنان در فهرست مفقودان این حادثه قرار دارد». اینها بخشی از صحبت‌های دادستان میناب در بیستم فروردین‌ماه است؛ زمانی که آمار نهایی شهدای مدرسه را بعد از بررسی‌ها، به ۱۵۶ نفر اعلام کردند. بنا بر اعلام او، از این تعداد ۱۲۰ دانش‌آموز شامل ۷۲ پسر و ۴۷ دختر، ۲۶ معلم زن و هفت نفر از والدین دانش‌آموزان شامل چهار مرد و سه زن، یک راننده سرویس مدرسه، یک تکنسین داروخانه درمانگاه مجاور مدرسه و یک جنین شش‌ماهه بودند. دادستان میناب تأکید کرد که یکی از معلمان شهید به نام «زهرة شهریاری» بر اساس اسناد پزشکی در زمان شهادت شش‌ماهه باردار بوده است و جنین شش‌ماهه او نیز در این حمله همراه با مادرش جان باخت. بر اساس اعلام او، از مجموع ۱۵۶ شهید این حادثه، ۱۵۵ نفر شناسایی و احراز هویت شده‌اند و پس از صدور جواز دفن از سوی پزشکی قانونی، تشییع و تدفین شده‌اند.
آسیه کمی مکث می‌کند: «می‌خواستیم کفش و پولیورش را خاک کنیم، گفتند خوب نیست، این کار را نکنید. الان فقط یک قبر نمادین در گلزار شهدای میناب دارد و یک یادبود در مسجد محل». پولیور آبی و یک لنگه‌کفش کرم «ماکان» داخل یک صندوق شیشه‌ای با قابی فلزی، کنار عکس‌های اسرا و سلما ذاکری، دخیده درویشی و مسیحا سالاری، بخشی از مسجد اسلام‌آباد است به یاد کودکان این محله که قربانی موشکیاران شدند. این سو و آن‌سوی صندوق شیشه‌ای گلدان است، روی زمین کنار پای یادگارهای ماکان یعنی دختر و کتاب‌های از زیر آوار بیرون‌آمده‌اش، پارچه‌ای مشکی پهن شده با دسته‌گلی بزرگ، درخت کنار زنی سیاه‌پوش که دست‌ها را در هم گره کرده و از همان گوشه عکس می‌توان چشمان پف‌کرده و به‌غم‌نشته‌ش را دید. آسیه ۴۰ساله، ۳۸ روز امید داشت، ۳۸ روز در سردخانه‌ها و روی آوارها بود تا تکه‌ای از بدن سومین فرزندش را پیدا کند و در آخر حمزه برادرش، برای او نشانه‌ای آورد، یک لنگه کفش پاره ماکان صد متر دورتر از محل انفجار در میان درختان. بعد از آن بود که خانه قیامت شد. مادر از حال رفت و زنان و مردان شیون از سر دادند. نشانی از کودک کوچکشان رسیده بود. ماکان صبح روز نهم اسفند با گرمکن ورزشی به مدرسه رفت، پولیور آبی‌رنگش را روی کول انداخت، کفش‌های کرمش را پا کرد اما هیچ‌وقت به زنگ ورزش نرسید.

قبر خالی کودک ۷ساله

ساعت ۱۱:۱۶ صبح نهم اسفند، آسیه مشغول خانه‌داری بود که تلفنش زنگ خورد؛ خانم ماندانا سالاری بود، معلم کلاس اول مدرسه. از او خواست به مدرسه برود و ماکان را ببرد. ظاهراً حمله‌ها در جریان بود. آسیه، بی‌خی با همه جا، بدون اینکه بداند ساعتی قبل به تهران حمله موشکی شده، به راننده سرویس مدرسه زنگ می‌زند. راننده نزدیک مدرسه بود و می‌گوید که همین الان به آن سمت می‌روم. تلفن در دست آسیه بود که صدای انفجار مهیبی آمد؛ مدرسه موشکیاران شد. آسیه و همسرش که آن ساعت از روز در خانه بود، سوار ماشین می‌شوند و به سمت شهرک المهدی جایی که مدرسه قرار گرفته، می‌روند. نزدیک مدرسه اما دیگر راهی نبود، پیاده شدند و پیاده رفتند. مدرسه آن‌قدر شلوغ بود که مادر نمی‌دانست باید کجا برود و کجا را برگردد و از چه کسی بپرسد ماکان کجاست؟

آسیه در مسیر جاده‌ای از میناب به اصفهان با «شرق» گفت‌وگو می‌کند؛ آنها به سمت خمینی‌شهر، زادگاه همسرش می‌رفتند تا آنجا برای چهلمین روز از دست



دادن ماکان، مراسم بگیرند. قبل از آن مراسمی در میناب برای ماکان و سایر دانش‌آموزان در جریان بود. سهم ماکان هم شبی بود که خواهرش مانیا، برایش از روی کاغذ متنی خواند و چشم‌خانه تمام آنها که حاضر بودند، قرمز شد و اشکی. تصویر آرمگاه کودکان میناب، سیاه‌ترین تصویری است که در چهل‌وچند روز گذشته منتشر شده است؛ قبرهای خالی کوچک که قرار بود یا پیکرهای نحیف و تکه‌تکه دانش‌آموز مینابی پر شود، قبر ماکان اما خالی است.

آسیه مسلط و محکم حرف می‌زند. آن‌قدر که نمی‌شود از او سؤال‌هایی درباره کوچکی و معصومیت فرزندش پرسید. توان او بعد از ۴۰ روز برای شیون و عزاداری تمام شده، گویی اشک‌هایش خشکیده است: «خیلی‌ها زیر آوار بودند اما کودکی سالم بیرون نیامد. ما از ساعت ۱۱ و نیم صبح تا دو و نیم صبح روز بعد آنجا بودیم. هر کسی که از زیر آوار بیرون کشیده می‌شد، بی‌جان بود».

پیکرها چه وضعیتی داشت؟
تعداد کمی دچار خفگی شده بودند. بیشترشان تکه‌تکه بودند.

پولیور آبی در کاور جسد

روز شنبه «ماکان»، فارسی، ریاضی و ورزش داشت. ورزش زنگ آخرش بود، اما مادر نمی‌دانست نهم اسفند به دنبال ماکان در حیاط باشد. سر کلاس یا در نمازخانه! هرچند ساختمان طوری ریخته بود که نمی‌شد تشخیص داد کجای ساختمان زیر پای آنهاست. بعدها ما فهمیدند کلاس ماکان بیشترین آسیب را دیده است: «تصور ما این بود که سه موشک به مدرسه اصابت کرده اما بعداً که فیلم‌هایش را دیدیم متوجه شدیم ۱۲ موشک شلیک شده که به مدرسه و درگاه مدرسه ... خورده است. اما به‌طور دقیق نمی‌دانم چند موشک به مدرسه اصابت کرده است». مادر نمی‌تواند از جزئیات جست‌وجو برای فرزندش بگوید: «روز چهارم، پولیور ماکان پیدا شد. البته من مطمئن نبودم ماکان پولیور را به تن داشت یا نه؛ چون معمولاً برای ورزش درش می‌آورد. به همین دلیل امید به زنده‌بودنش داشتم». آنها در این ۳۸ روز چندین بار برای شناسایی اجساد به سردخانه‌ها مراجعه کرده بودند، اما نمی‌توانستند ماکان را شناسایی کنند. تست DNA هم از آنها گرفته شد. یک بار هم برای شناسایی پیکری رفته بودند، اما پیکر تقریباً یخ زده بود و مادر نتوانست شناسایی‌اش کند: «فقط دفتر و کتاب‌های ماکان پیدا شده بود؛ نه کفش و کیف و نه حتی بخشی از بدنش». تا روز می‌وه‌شتم: «اوایل ظاهراً چند تکه از اجساد را اشتباهی دفن کرده بودند بعد نیش قبر کردند و تکه‌ها جابه‌جا شد. البته من هم اینها را شنیده‌ام. به هر حال ما تا دو روز مانده به چهل‌م بلا تکلیف بودیم».

مدرسه شجره طیبه دخترانه- پسرانه بود و قبل از آن مانیا خواهر ماکان، سه سال دانش‌آموزش بود. ماکان یک سال پیش‌دستانی بود و در سال تحصیلی جدید هم برای کلاس اول ثبت‌نام شده بود. مانیا کلاس‌هفتمی شد و به مدرسه دیگری رفت. برادر دیگر ماکان به نام «مصطفی» که کلاس دهم است، در مدرسه دیگری بود. او صبح شنبه از طریق موبایلی که با خودش به مدرسه برده بود متوجه حملات شد، از مدیرشان خواسته بود برای بردن ماکان از مدرسه خارج شود، اما به او اجازه ندادند بودند: «حیاط دختران و پسران جدا از هم بود. کلاس پسران طبقه پایین و بالا، مسیرهای جداگانه‌ای داشت. پیش‌دستانی، پشت مدرسه قرار داشت با چند کلاس دخترانه و پسرانه که در این حمله خوشبختانه هیچ‌کدام از بچه‌هایش آسیبی ندیدند». مادر فکرش را هم نمی‌کرد کسی میناب را بشناسد یا مثلاً آمریکا و اسرائیل آن را روی نقشه پیدا کنند. فکر می‌کردند در منطقه بسیار امنی زندگی می‌کنند. در همان روزهای اول خبردار شدند ماندانا سالاری، معلم ماکان، همراه دختر دانش‌آموزش در همان مدرسه شهید شده‌اند.

در جست‌وجوی یک نشانه

«حمزه راهی نژاد»، داییی ماکان همان که ۳۸ روز در پی یی‌دکردن اثری از خواهرزاده‌اش بود، حال و روز



دیگری دارد؛ آنچه از نهم اسفند بر او گذشته هنوز تصویر ثابت چشم‌هایش است. دایی می‌گوید از روز دوم، تیمی حدوداً ۲۰نفره تشکیل دادند، عموها و دایی‌ها و فرزندان‌شان راهی محل شدند تا نشانی از ماکان بیابند و تا محوطه جنگلی هم پیش رفتند. آنها تصور می‌کردند شاید ماکان ترسیده و به سمت محوطه باغ پردرخت فرار کرده باشد. شاید زخمی شده و خبری از او نیست.

شما تا روزهای آخر امید داشتید ماکان زنده باشد؟
بله، چون هیچ نشانی از او پیدا نکرده بودیم. در آخر با جعبه پر از کیف و لنگه‌کفش رفتم. به آسیه گفتم کدامش برای ماکان است.

واکنش مادر وقتی لنگه‌کفش را دید، چه بود؟
از حال رفت؛ چون تا آن روز هیچ اثری از ماکان ندیده بودند. خانه پر از آدم بود. همه جمع شده بودند و وقتی من رسیدم و نشان دادم، قیامت شد. فاجعه اصلی آن روز بود.

حمزه می‌گوید که دلش آرام و قرار نداشت. شور می‌زد تا نشانی از ماکان پیدا کند. وقتی لنگه‌کفشش پیدا شد فهمیدند یکی از دانش‌آموزان شهید مدرسه است. حمزه راه میناب است و خانه‌اش با مدرسه فاصله چندانی ندارد. وقتی صدای انفجار را شنید بود شیشه‌های خانه‌اش هم لرزید. ترسید و به سمت مدرسه راند. ماشین را در میانه راه رها کرد، بدون قفل. از دور سویی دود و خاک و سوختگی می‌آمد. او از همان لحظه تا پنج صبح فردایش در محل بود تا نشانی از کودک‌شان پیدا کند. اما هرچه آوار برمی‌داشتند، تکه‌های دست و پا و سر کوچک کودکان بود: «یک چیز عجیب و غریبی بود. اصلاً نمی‌شود وصف کرد. خیلی بد بود خیلی».

حال خواهرتان تا وقتی لنگه‌کفش ماکان را پیدا کنید، چطور بود؟

هر روز می‌گفت مرا ببرید بچه‌ام را پیدا کنم. هر روز به سردرد می‌رفت. سال‌ها بر شده بود؛ چون فقط جسد بچه‌ها نبود، پیکر تعدادی از والدین که برای بردن بچه‌هایشان رفته بودند هم در میان اجساد بود. مثل مردی که به دنبال دو دخترش رفته بود، انفجار شد و خودش هم شهید شد.

حمزه، یک گاز استریل و کیسه دستش گرفته بود و میان آوارها می‌گشت. هر تکه گوشت یا انگشتی پیدا می‌کرد می‌گذاشت روی گاز استریل و می‌برد به پزشکی قانونی. ماکان مانند تعدادی از اعضای خانواده مادری نشانی روی بدنش داشت؛ نشانه‌ای شبیه خال که روی دست و پا و بخش‌هایی از بدنش بود. در رزمستان این نشانه‌ها پرنگ‌تر می‌شد و دایی، به همین نشانه امید داشت؛ مردی که چهار فرزند دارد و در تمام مدت تصور می‌کرد که این کودکان هم مانند فرزندانش هستند.

پولیور ماکان را چطور پیدا کردید؟

خیلی اتفاقی. کارورهای زیادی را باز کرده بودیم و چیزی ندیدیم. چهارمین روز از آموزش و پرورش زنگ زدن گفتند بروجد سردخانه. ما هم رفتیم و اولین کآوری که در سالن دوم دیدیم، نیمه‌باز بود. آسیه تا بقیه زیپ را باز کرد پلیور آبی ماکان را شناخت. روی آن هم حدود صد گرم گوشت بود. بردیم برای DNA. جوابش منفی بود. نمی‌دانیم متعلق به بدن کدام‌یکی از دانش‌آموزان بود.

شما کارورها را بررسی می‌کردید؟

بله من کارورها را تک به تک باز می‌کردم. پر از گوشت‌های تکه‌تکه بود. برخی دست و پا نداشتند. برخی سر نداشتند. همه را دیده بودم تا شاید چیزی از ماکان ببینم.

ماکان یک قبر نمادین در گلزار شهدای بهشت زهرای میناب دارد، یک یادبود در مسجد مهدیه محل زندگی‌اش، یک یادبود در خمینی‌شهر (زادگاه پدرش) و به گفته دایی قرار است خیابانی به نام او در خمینی‌شهر نام‌گذاری شود. مادر هر روز به مسجد می‌رود، بالای سر ماکان، جایی که یادگاری‌هایش صندوق شده است. هر چند روز هم سری به گلزار شهدا می‌زند، پای قبری که خالی است اشک می‌ریزد. بنیاد شهید برای ماکان پرונده مفقودالائری باز کرده است.

خبرهای روز

آسیب به بیش از ۳۹ هزار واحد مسکونی در تهران

شهرداری تهران از آسیب بیش از ۳۹ هزار واحد مسکونی در تهران طی جنگ رمضان خبر داد. بر این اساس، واحدهای آسیب‌دیده بر مبنای میزان خسارت به چهار گروه «الف»، «ب»، «جیم» و «دال» تقسیم شده‌اند. گروه الف، واحدهای با خسارت جزئی هستند که شامل شکستگی شیشه و پنجره می‌شود. تعداد واحدهایی که خسارت جزئی دیده‌اند، ۳۲هزارو ۶۴۳ مورد است. ۵۰درصد واحدها، روند بازسازی را سپری کرده‌اند. گروه ب، واحدهایی هستند که به تعمیرات متوسط نیاز دارند که شامل پایدارسازی و تعمیر می‌شود. تعداد واحدهای آسیب‌دیده در این گروه پنج‌هزارو ۱۳۳ مورد است. اسکان اضطراری ساکنان گروه ب در مجموعه‌های اقامتی تا پایان تعمیرات در دستور کار قرار دارد. گروه جیم، واحدهایی هستند که به مقاوم‌سازی نیاز دارند که سازمان نوسازی درباره مقاوم‌سازی این واحدها اقدام می‌کند. بنا بر اعلام شهرداری تهران، ۸۲۵ واحد در این گروه قرار دارند. همچنین تعداد واحدهای آسیب‌دیده در گروه «دال» ۹۸۴ مورد است که این واحدها تخریب شده و به بازسازی کامل نیاز دارند. شهرداری تهران برای گروه‌های «جیم» و «دال» تمهیداتی در نظر گرفته که شامل اجاره مسکن یا پرداخت ودیعه دو میلیارد تومانی و ۴۰ میلیون تومان اجاره ماهانه می‌شود. ارائه این‌کارتر ۴۰۰ میلیون تومانی به منظور جبران بخشی از خسارات وارده به لوازم خانگی از دیگر اقدامات شهرداری تهران است. پرداخت خسارت خودرو و اثاثیه طی چهار مرحله انجام می‌شود؛ ثبت در ستاد بحران، تأیید پلیس، ارجاع به بیمه ایران و در نهایت پرداخت. تمهیدات در نظر گرفته‌شده برای این حوزه است.

هشدار پلیس فتا درباره هک پیام‌رسان‌های داخلی

رئیس پلیس فتای فراخا با هشدار درباره افزایش کلاهبرداری‌های اینترنتی از طریق دسترسی غیرمجاز به حساب کاربران در پیام‌رسان‌های داخلی هشدار داد. وحید مجید، با اشاره به افزایش پرونده‌های مرتبط با هک پیام‌رسان‌ها ادامه داد: «مجرمان ساییری با استفاده از شگردهای متنوع، این جرمه تماس تلفنی یا ارسال پیام، خود را به‌عنوان پشتیبان پیام‌رسان، شرکت بیمه، بانک یا نهادهای خدماتی معرفی کرده و از کاربران درخواست ارسال کد پیامک‌شده می‌کنند». او افزود: «این تماس‌ها و پیام‌ها معمولاً با بهانه‌هایی مانند پشتیبان در قرعه‌کشی، پرداخت غرامت بیمه، واریز سود یا مطالبات، با هشدار درباره تعلیق و مسدودسازی حساب کاربری به دلیل مشکل امنیتی انجام می‌شود. درحالی‌که این کدها در واقع در پای‌فعل‌سازی حساب کاربری است و ارائه آن به دیگران، به معنای واگذاری کامل دسترسی به حساب خواهد بود». رئیس پلیس فتا با بیان اینکه این شیوه بیش از این نیز بارها از سوی پلیس فتا هشدار داده شده است، گفت: «در بسیاری از موارد، مجرمان پس از ورود به حساب پیام‌رسان قربانی از فهرست مخاطبان او سوءاستفاده کرده و با ارسال پیام‌هایی با مضمون درخواست فوری وجه، کمک مالی یا پرداخت هزینه‌های خانگی، اقدام به کلاهبرداری از دوستان و آشنایان فرد می‌کنند». مجید ادامه داد: «در برخی پرونده‌ها مشاهده شده است که مجرمان علاوه بر کلاهبرداری مالی، به اطلاعات شخصی، تصاویر و سوابق گفت‌وگوها دسترسی پیدا کرده و از این اطلاعات برای سوءاستفاده، اخاذی یا جعل هویت در دیگر پلتفرم‌ها نیز استفاده کرده‌اند». او با تأکید بر راهکارهای پیشگیری گفت: «مهم‌ترین توصیه پلیس فتا به شهروندان، فعال‌سازی احراز هویت دومرحله‌ای در پیام‌رسان‌ها و سایر حساب‌های کاربری و همچنین خودداری مطلق از ارسال هرگونه کد پیامکی برای دیگران است. هیچ سازمان، بانک، شرکت بیمه، پیام‌رسان یا حتی پلیس فتا، در هیچ شرایطی از کاربران درخواست ارسال کد پیامکی نمی‌کند». رئیس پلیس فتا از شهروندان خواست در صورت مشاهده هرگونه مورد مشکوک یا سوءاستفاده از حساب کاربری، موضوع را در اسرع وقت از طریق سایت رسمی پلیس فتا به نشانی https://policefata.ir یا با تماس با مرکز فوریت‌های سایبری به شماره ۰۹۶۳۸۰ گزارش دهند.